

البته علاوه بر سلاح تحریم، در جعبه ابزار آمریکا برای مهار چین، ابزارهای دیگری هم هست که به طور مستقیم به ایران بازمی‌گردد؛ از جمله این ابزارها تسهیم منابع انرژی چین است. با حذف ایران از زنجیره تأمین انرژی چین، تنوع منابع چینی‌ها ضعیف می‌شود و ناچار خواهند شد که میزان بیشتری از انرژی مورد نیاز خود را از روسیه خریداری کنند و این یک کارت مهم برای روسیه در معامله احتمالی با آمریکا خواهد بود. ابزار دیگری که در دست آمریکا قرار دارد، برهم زدن امنیت و ثبات در مسیرهای متنوع انتقال انرژی به چین است که مانع از شکل‌گیری یک مسیر زمینی رقیب خواهد شد. یک ایران ضعیف، به طبع یک افغانستان آشفته را در پی خواهد داشت و یک افغانستان آشفته نیز طبیعتاً یک سینکیانگ از هم‌گسیخته را روی دست چین خواهد گذاشت. این ابزارها در کنار ابزارهای دیگری نظیر محدود کردن دسترسی چین به فلزات اساسی و حوزه ترانزیستور، همگی نقش مهمی در مهار چین ایفا می‌کنند که به طور مستقیم مربوط به ایران خواهد بود.

با تصویری که از نقشه جهان آینده و موقعیت ایران در این نقشه ارائه شد؛ آشکار است که ایران بیش از هر چیز به دلیل جایگاه جغرافیایی و ژئوپولیتیک خود، در یک مدار بزرگ جهانی قرار گرفته است که اتفاقاً این مدار، نقش مستقیمی در ترسیم معادلات جهانی معطوف به نظم آینده خواهد داشت. اگر سیاست‌گذاران ما به چنین درکی از مدارهای بزرگ جهانی و موقعیت ایران در این مدارها برسند، در خواهند یافت که آنچه مهم است، بیش از دیدگاه‌ها و تصورات مانسبت به مسائل، اتخاذ ایستاری است که با توجه به موقعیت ایران در روندهای روبه تحول جهانی، بهترین بهره‌برداری از این موقعیت و آن روندهای تحولی را برای کشور به ارمغان بیاورد. به شرط اتخاذ چنین ایستاری است که معمای پیمان‌هایی نظیر «آکوست» و «کوآد ۱ و ۲» و اساساً همه تمهیدات و رفتارهایی که دولت‌های انگلوساکسونی و دولت‌های بحری همچون نیوزلند، کانادا، استرالیا و انگلستان (در واقع برای مهار چین) به خرج می‌دهند، برای ما رمزگشایی خواهد شد و به درک درستی از این روندها نائل خواهیم آمد. در نهایت، چیزی که ما باید درک کنیم، این است که اگر خودمان نتوانیم به شکل فعالانه‌ای برای خودمان جایگاهی که باید را در روندهای تحولی جاری تعریف کنیم، این دیگران خواهند بود که جایگاه ما در جهان آینده را تعریف خواهند کرد؛ چه آنکه موقعیت و جایگاه ژئوپولیتیک ایران به گونه‌ای است که در مسیر تعیین تکلیف نظم جهان آینده، نمی‌توان آن را بلا تکلیف رها کرد. بی‌تردید اگر دیگران تعیین‌کننده باشند، نتیجه موقعیت انفعالی ایران، چه بسا یک ایران ضعیف، یک ایران تجزیه شده یا حتی یک ایران تحت استعمار باشد. تنها یک انتخاب درست است که در این لحظات حساس، آینده‌ما، فرزندان ما و فرزندان ما را تضمین خواهد کرد. ▶

پی‌نوشت

۱. اشاره به کریدور اقتصادی چین و پاکستان (China-Pakistan economic corridor) است.
۲. اشاره به پروژه «ننوم» که با سرمایه‌گذاری به ارزش ۵۰۰ میلیارد دلار به منظور احداث شهری وسیع در کرانه دریای سرخ با فناوری هوشمند در سال ۲۰۱۸ کلید خورده است و انتظار می‌رود که به مرکز جذب سرمایه‌گذاری خارجی و حضور شرکت‌های بین‌المللی و ترانزیت در عربستان تبدیل شود.